

نحوه ترکیب افعال مرکب فارسی با دو پایه واژگانی بر مبنای دیدگاه کمینه‌گرا

دکتر سید علی میرعمادی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - تهران شمال

هنگامه واعظی

دانشجوی دکتری زبان شناسی همگانی دانشگاه علامه طباطبایی

چکیده

عنوان این تحقیق نحوه ترکیب افعال مرکب فارسی با دو پایه واژگانی بر مبنای دیدگاه کمینه‌گرایی است. در این تحقیق، نحوه تشکیل تعدادی از افعال مرکب دو تایی در چهارچوب کلی کمینه‌گرایی¹ بررسی می‌گردد. هدف از این تحقیق مطالعه ساختاری - معنایی این نوع افعال و دستیابی به روابط معنایی و واژگانی میان اجزای تشکیل دهنده آنهاست. منظور از افعال مرکب دو تایی، افعال مرکبی هستند که دو وابسته (پایه واژگانی) قبل از هسته (عنصر فعلی) آنها قرار دارد.

نتیجه اینکه این افعال مرکب دو تایی، در چهار گروه طبقه بندی می‌شوند:

گروه اول: رابطه واژگانی میان دو وابسته از نوع هم معنایی نسبی بوده، رابطه معنایی آنها از نوع نشان‌داری معنایی است.

گروه دوم: رابطه واژگانی آنها از نوع تقابلی و رابطه معنایی آنها از نوع نشان‌داری توزیعی است.

گروه سوم: رابطه معنایی آنها از نوع نشان‌داری صوری است.

گروه چهارم: رابطه معنایی آنها از نوع تکمیلی و حوزه کاربردی دو وابسته قبل از هسته یکسان است.

به عنوان نتیجه کلی می‌توان گفت که در تمامی این افعال مرکب دو تایی، صورت بی‌نشان دور از هسته و صورت نشان‌دار نزدیک به هسته قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: فعل مرکب، ادغام، بازبینی

مقدمه

از دیرباز مقولهٔ افعال مرکب فارسی مورد توجه و توصیف دستورنویسان ایرانی و غیرایرانی و نیز زبان‌شناسان با علائق نظری گوناگون قرار گرفته است. به اعتقاد برخی از دستورنویسان، از قرن هفتم به بعد پیشوندهای فعلی به تدریج از رواج افتاده و فعل مرکب جای آنها را گرفته است. در فارسی امروز فقط بعضی از فعل‌های پیشوندی به کار می‌رود و در ذهن اهل زبان، تمامی آنها در حکم فعل ساده است؛ یعنی به عملکرد پیشوندها اهمیتی داده نمی‌شود. آنچه مسلم است اینکه افعال مرکب در فارسی امروز جای بسیاری از فعل‌های ساده و پیشوندی را گرفته است. شمار بسیاری از فعل‌های ساده در فارسی امروز به کلی متروک و به جای آنها فعل مرکب به کار می‌رود. خانلری (۱۳۶۵) می‌نویسد: فعل مرکب در نوشته‌های پهلوی نیز دیده شده است؛ ولی تعداد آنها زیاد نیست.

در تعریف افعال مرکب، اختلافات بسیاری میان دستورنویسان و زبان‌شناسان وجود دارد. (واعظی، ۱۳۷۸) علی‌رغم وجود این اختلافات، آنچه میان آنها مشترک است اینکه همگی آنها ساختمان فعل مرکب را متشکل از دو جزء می‌دانند: جزء اول را (host) پایهٔ واژگانی و جزء دوم را تحت عناوین مختلف همکرد، فعل معین فرعی، فعل کمکی، عناصر فعلی، کنش‌ساز، اسناد و فعل سبک می‌نامند. از دیدگاه آنها جزء فعلی معمولاً معنی خود را از دست می‌دهد تا در فعل مرکب، مفهوم تازه‌ای بیابد. بعد از تعریف کلی از افعال مرکب که فقط یک وابسته (host) دارند، امروزه وجود افعال مرکب دیگر با دو وابسته (افعال مرکب دو تایی) را می‌توان به وضوح مشاهده کرد. شایان ذکر است که افعال مرکب دوتایی خود انواع مختلفی دارند. به نمودار زیر توجه کنید:

الف) غیراصطلاحی ← گریه و زاری کردن، جمع و جور کردن	}	افعال
ب) اصطلاحی ← رد و بدل کردن، گرد و خاک کردن		مرکب
ج) اتباع ← ساخت و پاخت کردن، له و لورده کردن		دوتایی

در این تحقیق، فقط نوع اول این افعال (غیراصطلاحی) مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. در واقع نوعی که هر یک از این عناصر معنی اصلی خود را به ذهن می‌رسانند؛ بنابراین ضمن تعریف کلی و طبقه‌بندی ساختاری از این نوع افعال از دیدگاه کمینه‌گراها به طور اخص ردفورد^۱ (۱۹۹۷)، رابطهٔ معنایی و واژگانی هر یک از عناصر وابسته مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

بررسی داده‌ها بر مبنای ساختاری

پایهٔ واژگانی + حرف عطف + پایهٔ واژگانی + فعل سبک (عنصر فعلی)
 آن‌گونه که داده‌ها نشان می‌دهد، در این‌گونه افعال مرکب، دو وابسته برای یک عنصر فعلی وجود دارد. هر کدام از وابسته‌ها می‌توانند پس از تقطیع خود یک فعل مرکب بسازند؛ مثلاً:
 گریه و زاری کردن ← گریه کردن / زاری کردن
 پس از تقطیع، معنی اولیهٔ خود را حفظ کرده‌اند و معنای اصطلاحی ندارند.

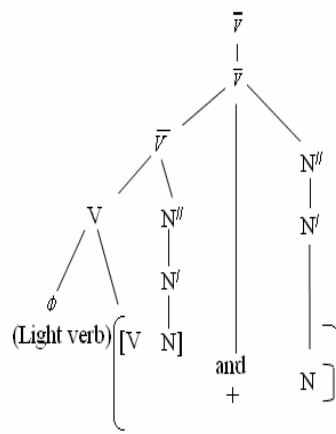
بررسی این افعال بر پایه عملیات ادغام^۱

همان طور که می‌دانید تحولات بین سال‌های ۱۹۶۵ تا ۱۹۹۲ نشان دادند که نظریهٔ نحو در خلال دگرگونی‌های اخیر از این ویژگی‌ها برخوردار شده است: جنبهٔ کلی‌تر و جهانی پیدا کرده است؛ ژرف ساخت جاذبه خود را از دست داده است؛ فرایند اشتقاق به سادگی گراییده است و زمینه را برای برنامه کمینه‌گرا فراهم آورده است. از این رو این برنامه را می‌توان چهرهٔ جدید دستور زایشی دانست. روح حاکم بر برنامهٔ کمینه‌گرا مبتنی بر این بینش است که هرچه نظریه ساده‌تر و مختصرتر باشد، پسندیده‌تر است (دبیرمقدم، ۱۳۸۳: ۶۰۳).

در این برنامه فرایندی به نام "ادغام" مطرح می‌شود که وظیفهٔ آن تشکیل نمودارهای درختی و جملات است. تشکیل نمودارهای درختی از طریق ادغام گره‌های پایین‌تر به ترتیب، شکل می‌گیرد و تا بالاترین گره ادامه می‌یابد. این فرایند - همان‌طور که در فرمول زیر نشان داده شده است - می‌تواند بارها تکرار شود. فعل سبک با گروه اسمی پیشینه ترکیب می‌شود و سپس ترکیب آن فعل مرکب (V) با یک گروه اسمی دیگر، منجر به ایجاد فعل مرکب نهایی می‌گردد.

$$\text{lightverb } V + \bar{N} \rightarrow \bar{V}$$

$$\bar{V} + \text{and} + \bar{N} \rightarrow \bar{V}$$



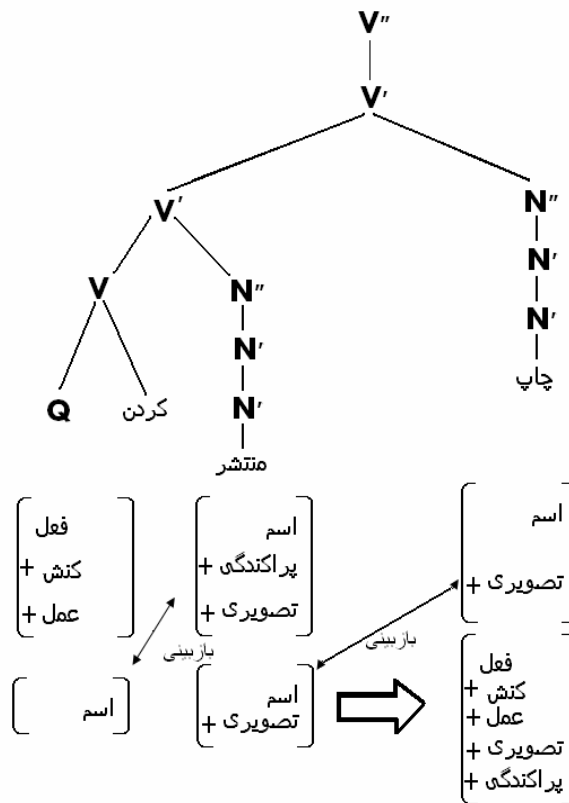
از آنجایی که حرکت به سمت بالا صورت می‌گیرد، عملیات ادغام در واقع از فعل سبک آغاز می‌شود و به ترتیب با وابسته‌های خود ادغام می‌شود. البته این فرایند در صورتی عملی است که تمامی مشخصه‌های این عناصر با یکدیگر تطبیق یا هماهنگی داشته باشند. در صورتی که تمامی عناصر غیرقابل تعبیر حذف شوند و عناصر تعبیری پذیر باقی بمانند، صورت درستی از افعال به دست می‌آید. منظور از محک‌زدن مشخصه‌ها، مشخصه‌های معنایی است؛ ولی فقط بازبینی (checking) آنها کافی نیست؛ چرا که طبقهٔ دستوری وابسته‌ها هم باید در نظر گرفته شوند. در این بررسی فقط ممیزه‌های هسته و متمم را در نظر می‌گیریم؛ به این مفهوم که هرکدام از عناصر دخیل خود به تنهایی چه نوع ممیزه‌هایی را دارا هستند و سپس هسته یا عنصر فعلی،

^۱ merging

نیاز به چه نوع وابسته‌ای دارد و با چه مشخصاتی وابسته اول خود را انتخاب می‌کند و پس از آن نیز وابسته دوم بر مبنای وابسته اول انتخاب می‌شود.

طبقه‌بندی انواع افعال مرکب دوتایی

نوع اول: چاپ و منتشر کردن



در این فعل مرکب همان‌طور که نمایان است، فعل سبک «کردن» دارای مشخصه‌های معنایی «کنش و عمل» است. این فعل سبک، به یک اسم نیاز دارد که همان وابسته اول خود، یعنی «منتشر» است. «منتشر» مشخصه‌های معنایی خود را داراست و تا چیزی چاپ نشود، منتشر نمی‌گردد. وابسته اول یعنی «منتشر»، وابسته بعدی را - که در ابتدا قرار می‌گیرد - بر می‌گزیند. این‌طور به نظر می‌رسد که «منتشر» خود یک مشخصه بیش از چاپ دارد و در کنار هسته قرار گرفته است. در حقیقت نوعی نشان داری معنایی در «منتشر» وجود دارد.

جمع‌بندی ویژگی‌های نوع اول:

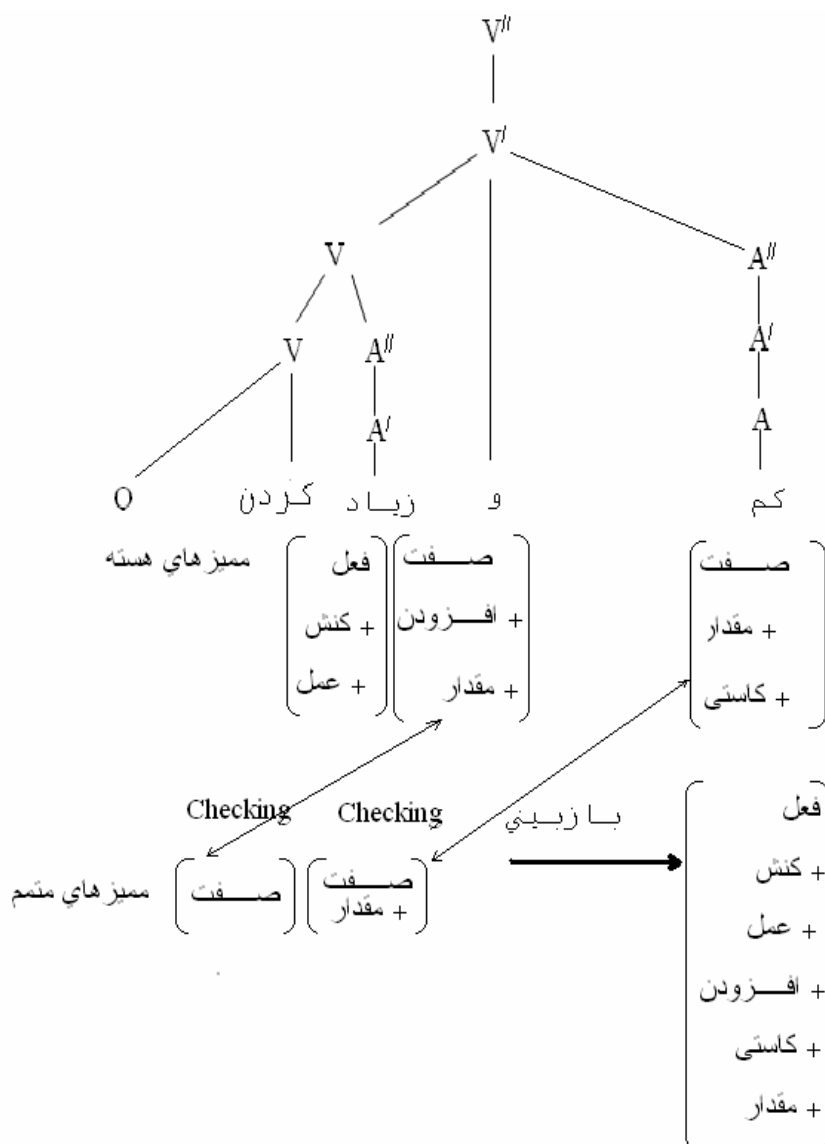
۱. تعداد آنها بیش از انواع دیگر است.
۲. واژه‌ای که صورت بی‌نشان^۱ (unmarked) شکل بی‌نشان دورتر از هسته (فعل سبک) قرار می‌گیرد. که در فعل مرکبی که در بالا آمده است "چاپ" (عنصری که کنار فعل سبک قرار می‌گیرد نشان‌دارتر است.
۳. شکل بی‌نشان، نزدیک هسته (فعل سبک) قرار می‌گیرد.
۴. شکل نهایی فعل با دو وابسته، تأکید بیشتر را نشان می‌دهد.

^۱ بی‌نشان واژه‌ای است که فقط مشخصه‌های ذاتی خود را داراست؛ مانند "چاپ" که در مقایسه با "منتشر" بی‌نشان است.

۵. از لحاظ هجایی معمولاً کلمه‌ای که هجای کمتری دارد، در ابتدا قرار می‌گیرد و کلمه‌ای که هجای بیشتری دارد، در مرحله دوم قرار می‌گیرد.
۶. دو وابسته، هم معناهای نسبی هستند.

افعالی که در حوزه نوع اول قرار می‌گیرند، عبارتند از:

- چاپ و منتشر کردن - ناله و نفرین کردن - جمع و جور کردن - کمک و همکاری کردن - درک و احساس کردن - راضی و خوشنود بودن - غافل و بی‌خبر بودن - گریه و زاری کردن و ...
- نوع دوم: کم و زیاد کردن**



جمع‌بندی ویژگی‌های نوع دوم:

- ۱ - شکل بی‌نشان، دورتر از هسته قرار می‌گیرد.
- ۲ - شکل نشان‌دار در کنار هسته قرار می‌گیرد.

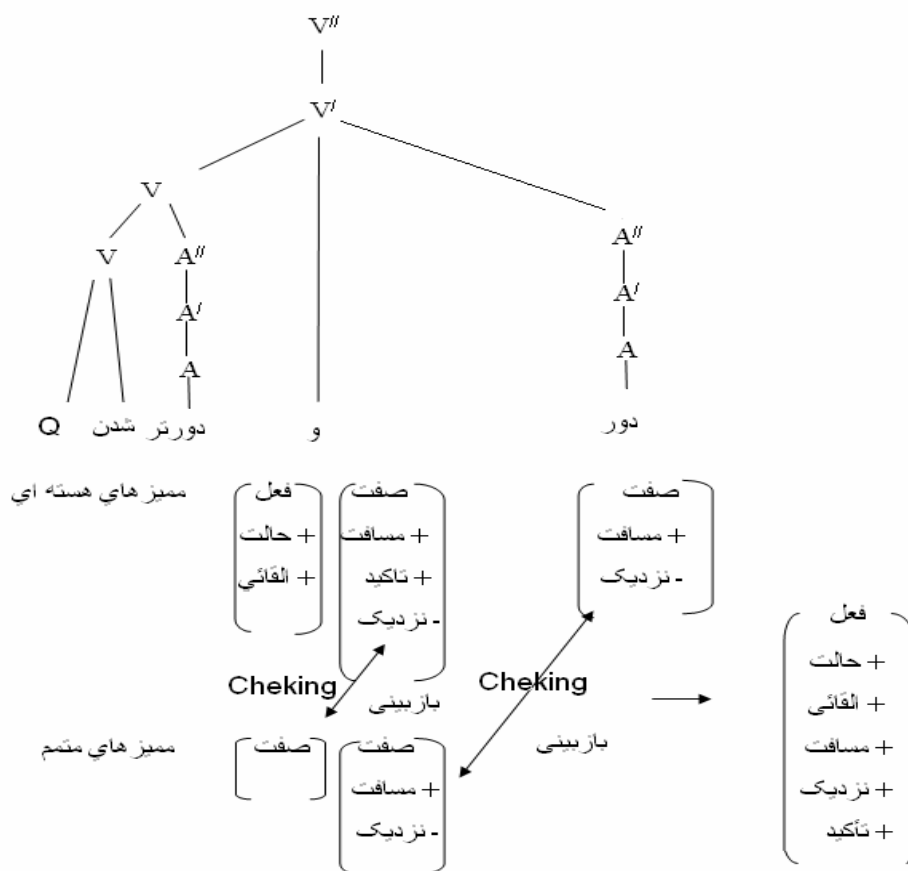
۳ - تأکید بیشتر را نشان می‌دهد.

۴ - رابطه نشان‌داری توزیعی را می‌توان میان عناصر وابسته مشاهده کرد. وابسته اول به لحاظ توزیعی از بسامد بیشتری برخوردار است؛ به این معنا که در انواع ساخت واژه نیز به کار می‌رود. جفت وابسته‌های این‌گونه افعال متضادند؛ یعنی رابطه واژگانی آنها از نوع تقابلی است.

افعالی که در حوزه نوع دوم قرار می‌گیرند، عبارتند از:

کم و زیاد کردن - بالا و پایین کردن - زیر و رو کردن - گرم و سرد کردن - سؤال و جواب کردن - جمع و تفریق کردن و ...

نوع سوم: دور و دورتر شدن



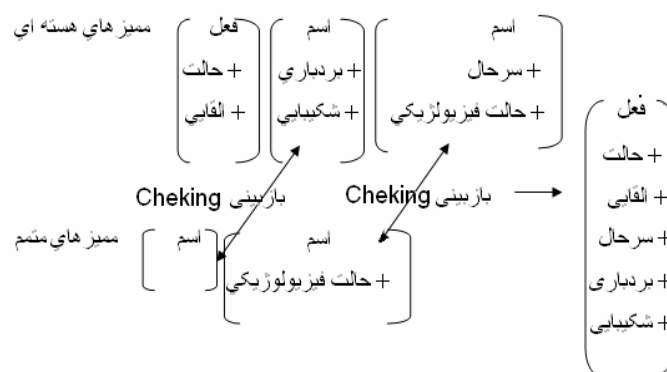
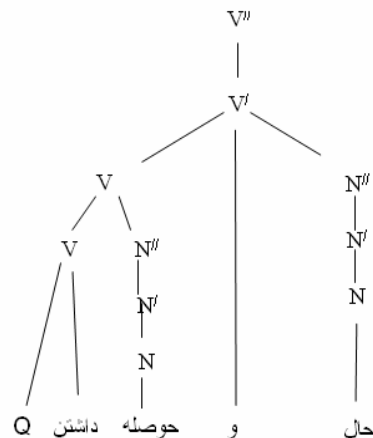
جمع‌بندی ویژگی‌های نوع سوم:

- (۱) شکل بی‌نشان، دورتر از هسته قرار می‌گیرد.
- (۲) شکل نشان‌دار نزدیک هسته قرار می‌گیرد.
- (۳) رابطه نشان‌دار صوری را می‌توان میان دو وابسته مشاهده کرد.
- (۴) فعل مرکب ساخته شده، تأکید بیشتر را نشان می‌دهد.

این نوع افعال را می‌توان گاه به صورت تکرار کامل نیز مشاهده کرد: «دورتر و دورتر شدن» که تفاوت آن با «دور و دورتر شدن» به لحاظ ساختاری این است که اولی فقط یک تکرار مکانیکی است که به لحاظ آوایی، وزن پدید آورده و حالت تأکیدی‌اش، بیش از دومی است. در مورد این نوع سوم از افعال اختلاف نظرهای بسیاری وجود دارد. برخی، این دسته از افعال را فعل مرکب نمی‌دانند که در اینجا مجال بحث آن نیست.

افعالی که در حوزه نوع سوم قرار می‌گیرند، عبارتند از:

کم و کمتر شدن - دور و دورتر شدن - کمتر و کمتر شدن - دور و دورتر شدن
 حال به دسته‌بندی گروهی دیگر از افعال مرکب می‌رسیم؛ افعال مرکبی که عناصر وابسته آنها به نوعی مکمل یکدیگرند. این نوع، در واقع آخرین گروه از این دسته افعال است.
نوع چهارم: حال و حوصله داشتن



در مورد جایگاه عنصر بی‌نشان در ابتدای این نوع افعال مرکب نمی‌توان با قطعیت در تمامی موارد اظهار نظر نمود. گاه در مواردی همچون نوع چهارم، شکل بی‌نشان و نشان‌دار به راحتی قابل تشخیص نیست. در این نوع

افعال هر دو وابسته مکمل یکدیگرند که شاید بتوان آن را یک نوع رابطه تکمیلی نامید؛ یعنی پس از گزینش «حاصله» ← «حال» تعدادی مشخصه به آن می‌افزاید و هر دو با هم به فعل معنا می‌بخشند.

جمع‌بندی ویژگی‌های نوع چهارم:

(۱) نوعی رابطه تکمیلی میان دو وابسته وجود دارد.

(۲) فعل نهایی تأکید بیشتر را نشان می‌دهد.

افعالی که در حوزه نوع سوم قرار می‌گیرند، عبارتند از:

حال و حاصله داشتن - هدف و انگیزه داشتن - حل و فصل نمودن و ...

نتیجه

فعل:

۱. ساده

۲. پیشوندی

۳. مرکب:

❖ واژگانی ← افعال مرکبی هستند که در ذهن گویندگان همانند واژه‌های دیگر وجود دارند؛ مانند

گول زدن. این افعال پس از ترکیب، در ذهن قرار می‌گیرند و نام دیگر آنها افعال "مرکب

جداناپذیر" است.

❖ گروهی ← الف) اصطلاحی ← سبک و سنگین کردن

ب) افعال مرکب جداناپذیر ← افعال مطرح شده در این مقاله

۱ - افعال مرکب دوتایی جداناپذیر، متشکل از دو وابسته‌اند که خود به تنهایی یک فعل مرکب یا یک فعل بسیط می‌سازند.

۲ - در نوشتار و گفتار تأکید بیشتر را نشان می‌دهند.

۳ - به سه صورت ساخته می‌شوند:

الف) ترکیب یک وابسته با خودش (تکرار)

ب) ترکیب یک وابسته با وابسته دیگر که سه حالت دارد:

❖ دو صورت متضاد

❖ هم معنای نسبی

❖ مکمل یکدیگر

ج) ترکیب یک وابسته با صورت تفضیلی خود: صفت + صفت برتر خود

امروزه این افعال در متون ترجمه شده یا گفتار روزمره بسیار به چشم می‌خورند. آن‌طور که نمایان است، این گونه افعال هنوز وارد نوشتار رسمی نشده‌اند.

طبق الگوی عرضه شده از افعال، در هیچ‌یک از آنها تکیه وابسته‌ها تغییری نمی‌کند. هر وابسته، تکیه خود را داراست؛ اما برای نمایان کردن تأکید بیشتر، وابسته دوم معمولاً با شدت بیشتری تولید می‌شود.

ضمائم:

کردن:

گریه و زاری کردن	باز و بسته کردن
مرتب و منظم کردن	چاپ و منتشر کردن
تحسین و تمجید کردن	امر و نهی کردن
تشویق و تحسین کردن	قهر و آشتی کردن
تشکر و سپاسگزاری کردن	جمع و جور کردن
مراقبت و نگهداری کردن	زیر و رو کردن
گله و شکایت کردن	نال و نفرین کردن
بحث و گفتگو کردن	پیشرفت و تلقی کردن
ظلم و ستم کردن	داد و فریاد کردن
گرم و سرد کردن	شک و تردید کردن
خرید و فروش کردن	تجزیه و تحلیل کردن
فکر و خیال کردن	بحث و جدل کردن
جلو و عقب کردن	کمک و یاری کردن
خوار و ذلیل کردن	کم و زیاد کردن
خم و راست کردن	سرگردان و آواره کردن
رشد و نمو کردن	لج و لجبازی کردن
کج و راست کردن	سعی و تلاش کردن
کار و کوشش کردن	داد و بیداد کردن
نال و نفرین کردن	صبر و تحمل کردن
شکوه و ناله کردن	شکوه و شکایت کردن
جمع و تفریق کردن	مشاجره و کتک کاری کردن
تمجید و ستایش کردن	فریاد و فغان کردن
	سؤال و جواب کردن

نمودن:

کمک و یاری نمودن	حل و فصل نمودن
تعریف و تبیین نمودن	شاد و راضی نمودن

شدن:

عصبی و مشوش شدن	دور و دورتر شدن
-----------------	-----------------

ندا و قربانی شدن
دلواپس و نگران شدن
جفت و جور شدن
کوچک و کوچک شدن

کمتر و کمتر شدن
کم و زیاد شدن
بالا و پایین شدن
محو و نابود شدن
ناراحت و غمگین شدن

بودن:

غافل و بی‌خبر بودن
گرفته و عبوس بودن
مات و سرگشته بودن
لازم و ملزوم بودن

عجیب و غریب بودن
راضی و خوشنود بودن
آشکار و پنهان بودن
مواظب و مراقب بودن
لازم و ضروری بودن

داشتن:

گرایش و تمایل داشتن
صبر و حوصله داشتن
صبر و تحمل داشتن
علاقه و توجه داشتن

حال و حوصله داشتن
کم و کسر داشتن
نظم و ترتیب داشتن
سر و ته داشتن

یافتن:

بسط و قوام یافتن
تحول و تکامل یافتن

ظهور و تجلی یافتن
رشد و تکامل یافتن

گرفتن:

سرسری و راحت گرفتن

منابع

- دبیر مقدم، محمد (۱۳۷۶)، "فعل مرکب در زبان فارسی"، *مجله زبان‌شناسی*، س ۱۲، ش ۱، ۲، ۱۳ و ۲۴، صص ۲ - ۴۶
- عاصی، مصطفی (۱۳۷۶)، "نقش ترکیب در گسترش واژگان زبان فارسی". *مجله فرهنگ*، ش ۱۰
- طبیب‌زاده، امید (۱۳۷۳)، "افعال اصطلاحی"، *نشر دانش*، س ۱۴، ش ۴.
- واعظی، هنگامه (۱۳۷۸)، *ترکیب‌پذیری افعال مرکب در زبان فارسی معاصر*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

- Goldberg, Adele (1997), words by default : "optimizing constraint and the Persian complex predicate", University of California
- Miller, D. Gray (1983), *Complex Verb Formation*. Amsterdam John Benjamin's Publishing company.
- Mohammad, Jan, & Simin Karimi (1992), "Light verbs are taking over complex verbs in Persian". *Proceeding of Western Conference on Linguistics* 5, 195-212
- Radford, A (1997), *Syntax: A Minimalist Introduction*, 1997, Cambridge university press.
- Tabaian, Hessam (1979), " Persian compound verbs" *Lingua* 47, 189-208
- Widfuhr, I. Gernot (1979), *Persian Grammar: History and State of its Study*. Trends in Linguistics. State of the art reports 12. The Hague: Mouton publishers.